

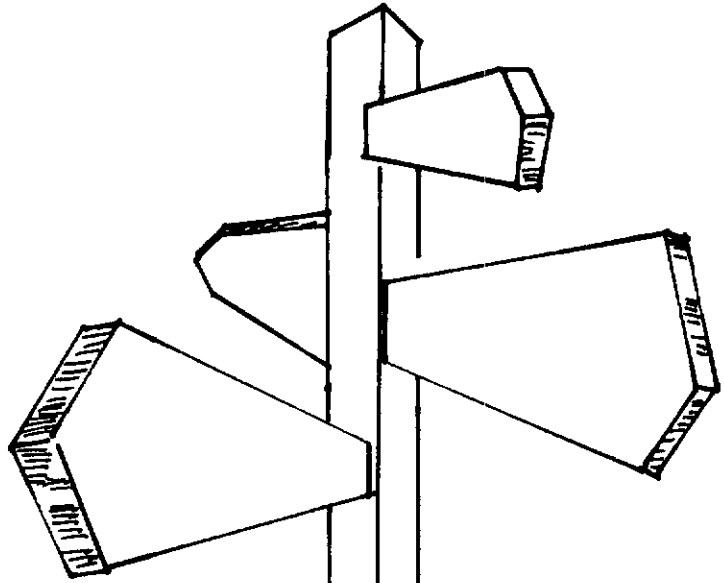
کاربردی آن در روانشناسی بکار می رود زیرا تمام عادت‌ها، محرک‌های خارجی، هیجانها و هدفها را شامل می شود.

کلمه ( Motivation ) از ریشه لاتینی ( Movere ) به معنای جنبش و حرکت مشتق شده است و بنابراین اعتقاد «مان» ( Munn )، «انگیزش تنها بر باعث‌ها و انگیزه‌های ذاتی یا درونی اطلاق می شود.»

همچنین تیوان و اسمیت ( Teevan & Smith ) ساختار لازم برای فعالیت یک موجود زنده را انگیزش می نامند. ابراهام مزلومی گوید: «قبل از هرگونه تعریف از انگیزش فرد بایستی به عنوان یک کل و سازمان در نظر گرفته شود، بدین معنی که انگیزش بر طرف کننده نیاز بخشی از موجود نیست بلکه کل یک موجود را بر می انگیزد. بنابراین در تعریف از انگیزش کاربرد عباراتی همچون نیاز معدی، دهانی یا نیاز تناسلی بی معنی است.»

موری ( Murray ) معتقد است که فرآیند انگیزش از دیدگاه نظریه پردازان مختلف تعاریف گوناگونی دارد. اما همه روانشناسان در این نکته متفق القولند که: «انگیزش عاملی است درونی که رفتار شخصی را بر می انگیزد و آنرا جهت داده و هماهنگ می سازد و اگرچه انگیزه را بطور مستقیم نمی توان مشاهده کرد ولی وجود آنرا از روی رفتار شخصی می توان استنباط کرد.»

به اعتقاد او هر انگیزه معمولاً دو عامل و عنصر اساسی دارد. عنصر اول سائق است که مراد از آن فرآیندهای درونی بخصوصی است که شخص را به عمل خاصی وادار می دارد. عنصر دوم هدف یا پاداشی است که شخص به محض دستیابی به آن حالت انگیزشی خود را از دست داده و رفتارش برای مدتی از حوزه سلطه انگیزه خارج



## انگیزش و تأثیر آن در رفتار

مصطفی خواجهزاده

### • قسمت آخر

#### • مقدمه:

در بحث گذشته تحت این عنوان درباره علل و عوامل مؤثر در بروز و ظهور رفتارهای گوناگون در افراد و سیر پیدایش، انحطاط و نوشکوفایی مفاهیم و اصطلاحات مربوط به انگیزش مطالبی ارائه شد و از تواناییهای ذاتی و اکتسابی متنوعی از قبیل تواناییهای جسمی، تواناییهای ذهنی و تواناییهای اجتماعی و عاطفی که نهایتاً منجر به تفاوت‌های فردی در برخوردها می شود آشنا شدید. اینک در دنباله مطلب به تعریف انگیزش، طبقه بندی انگیزه‌ها و نظریه‌های مختلف درباره انگیزش می پردازیم.

### • تعریف انگیزش

اصطلاح انگیزه ( Motive ) در زندگی روزمره در حوزه‌ای وسیع تراز معنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

می شود.

انگیزش را می توان به طور کلی به عنوان نیرویی که سبب فعالیت می شود، تصور نمود. این نیرو مبتنی بر نیازها و خواسته های افراد است. سخنانی از این قبیل که «من نیاز به خانه دارم»، «به ماشین احتیاج دارم» یا «می خواهم مهندس بشوم» را می توان بیان نیرویی دانست که می خواهد کاری انجام دهد. در این صورت می گوئیم مردم نیازهایی دارند که سبب می شود برای رسیدن به هدفی دست به اقدام بزنند یا نیازی را برآورده سازند. با وجود این واضح است که ما توانایی خواندن درون مغز افراد را نداریم بلکه فقط می توانیم آنچه را که انجام می دهند، مشاهده کنیم. گاهی ممکن است نیازها و هدفهایی که سبب انگیزش رفتار می شوند از چشم ما پوشیده باشند. ما آنچه را می بینیم رفتار بیرونی افراد است و براساس این رفتار است که ما می توانیم حدس بزنیم که هدفها و نیازهای مربوط کدامند؟ بنابراین فرایند انگیزش به گونه ایست که بجز رفتاری که به چشم می آید، هر آنچه هست در جعبه تاریکی است که فعل و انفعالاتی داخل آن برای ما بسیار آشکار و روشن نیست.

## ● طبقه بندی انگیزه ها

انگیزه ها را براساس محتوای خاص و خصوصیات مشترکشان در گروه های نسبتاً وسیعی با روشهای متنوع طبقه بندی کرده اند.

در اولین روش، انگیزه ها را براساس زمینه های تکاملی آنها به دو نوع مهم اولیه و ثانویه طبقه بندی کرده اند. انگیزه های اولیه مانند گرسنگی، تشنگی، و غیره بر نیازهای زیستی و شیمیایی موجود زنده استوارند و اساساً فطری هستند، در صورتیکه انگیزه های ثانویه مستقیماً با خواص شیمیایی بدن

معنی که طبقه بندی انگیزه ای در یک روش، طبقه بندی آنرا در روش دیگر محدود و غیر ممکن نمی کند.

«ادوارد، ج موری» در کتاب خود تحت عنوان انگیزش و هیجان سعی کرده که روشهای پژوهشی و نتایج کار روانشناسانی را که مسئله انگیزش را با روش علمی بررسی کرده اند را بازگو نماید. به اعتقاد او تحقیق در زمینه انگیزش چنان تازگی دارد که هنوز حتی یک نظریه عمومی و جامع وجود ندارد که مورد قبول تمام محققان باشد. برخی از نظریه ها رویاروی هم بوده و رقیب یکدیگرند و برخی نقاط مشترکی با هم دارند. مهمترین نظریه های انگیزش که از فلسفه و علوم تربیتی به ما رسیده اند از این قرارند:

- ۱ - نظریه شناختی انگیزش
- ۲ - نظریه لذت گرایی انگیزش
- ۳ - نظریه غریزه
- ۴ - نظریه سائق

## ● نظریه شناختی انگیزش

قدیمی ترین نظریه در خصوص آدمی این است که وی اصولاً خردگراست یعنی آدمی خواسته های هشجاری دارد که با استفاده از استعداد های خود سعی می کند آنها را برآورده سازد. متفکرانی چون دکارت، هابز و اسپینوزا از جمله افرادی بودن که طرفدار این نظریه بودند. در این نظریه چون انسان قادر به کنترل اراده خویش است پس باید مسئول اعمال خود باشد. این مفهوم (اراده) گاهی آدمی را قادر می سازد برای تحقق بخشیدن به خواسته های خود حتی جهان را دگرگون سازد.

## ● نظریه لذت گرایی انگیزش

طبق این نظریه آدمی موجودی است که همواره در جستجوی لذت و گریز از درد

ارتباطی ندارند و بنظر می رسد که موجود زنده آنها را در محیطش از طرق یادگیری های اجتماعی آموخته و تجربه می کند.

دومین روش طبقه بندی بر نوع پاسخ موجود زنده مبتنی است و انگیزه ها را به دو دسته تقسیم می کند:

الف - انگیزه های گرایشی یا اشتیاقی

ب - انگیزه های اجتنابی یا تنفری

هرگاه یک انگیزه اشتیاقی (گرایشی) برانگیخته شود، پاسخ موجود زنده این خواهد بود که به سوی هدف مثبت حرکت کند و اگر چنانچه یک انگیزه اجتنابی (تنفری) برانگیخته شود پاسخ موجود زنده این خواهد بود که از هدف منفی دور شود.

در روشهای دیگر نیز انگیزه ها را به دو دسته فیزیولوژیک (فطری) و غیر فیزیولوژیک (اکتسابی) نیز طبقه بندی کرده اند. شایان ذکر است که هرکدام از این روشهای طبقه بندی مستقل هستند، بدین



فطری دانست که تحت تأثیر آن جاندار، طبقه معینی از اشیا را ادراک می کند یا مورد توجه قرار می دهد و به محض ادراک این قبیل اشیا حالت هیجانی خاصی پیدا می کند که سبب می شود جاندار رفتار بخصوصی از خود نشان بدهد یا لاقبل احساس تمایل به چنین رفتاری را در خود کند.

«ویلیام مک دوگال» در سال ۱۹۰۸ فهرست مفصلی مرکب از سیزده غریزه را در کتاب روانشناسی اجتماعی خویش منتشر کرد که برخی چون کنجکاوی، تشخیص طلبی، فرمانبرداری، جستجوی غذا، جفت جویی و تملک را غریزه اصلی و تعدادی چون عطسه، صرفه، خنده و دفع را غریزه فرعی نامید.

نظریه غریزه اگرچه در طول ربع اول قرن حاضر رواج فراوان داشت ولی بعدها با مشکلات تعدد غرایز مواجه شد و از طرف واتسون (Watson, J.B) و سایر طرفداران مکتب رفتارگرایی و همچنین عده ای از مردم شناسان مورد انتقادهای شدید قرار گرفت.

### ● نظریه سائق

مهمترین نظریه ای که در حال حاضر در مبحث انگیزش دیده می شود، مفهوم سائق



دلیل اصل لذت گرایی می تواند به صورت یک نظریه علمی سودمند درآید.

### ● نظریه غریزه<sup>۱</sup>

نظریه «تحول انواع» داروین (Darwin) را باید سرآغاز نظریه های علمی در مبحث انگیزش دانست. داروین معتقد بود که پاره ای از اعمال هوشمندانه موجودات زنده ارثی هستند. ساده ترین آنها را بازتاب<sup>۱</sup> گویند. در این نظریه رفتارهای ساده مثل مکیدن در نوزاد را بازتاب و گونه های پیچیده رفتار مثل دور شدن مرغها از انسان را ناشی از غریزه می دانند. به نظر داروین غریزه ها در جریان «انتخاب طبیعی» پیدا شده اند و به انعطاف پذیری آنها پیش از بازتابهاست، و به همین خاطر از تنوع بیشتر برخوردارند.

در اوایل قرن حاضر نظریه پردازانی چون ویلیام جیمز (William James) و فروید (Freud) و مسک دوگال (MC. Dogal) نظریه غریزه را وارد مبحث روانشناسی کردند. برخی غریزه را قالبی و مکانیکی پنداشتند، ولی مک دوگال آنها را تمایلاتی، غایی، هدف جویانه و ارثی دانست و به اعتقاد او می توان غریزه را یک تمایل فیزیکی - روانی موروثی یا



است. طرفداران این نظریه بر این اساس رفتار را تبیین می کنند. البته نباید این نظریه را با مکتب لذت گرایی که پیروان خود را تشویق می نماید تا هشیارانه زندگی خویش را بر مدار لذت جویی و اجتناب از درد تنظیم کنند، اشتباه کرد.

روانشناسانی از قبیل یانگ و مک لند (Young & McClelland) در این زمینه نظرات پیچیده ای مطرح کرده اند. برای مثال مک لند در نظریه لذت گرایی خود، مدل برانگیختگی عاطفی را پیش کشیده است و مقصودش این است که پاره ای از محرکهای محیط به صورت فطری لذت یاد در برابر می انگیزند. در جانداران تمایلی به گریز از این محرکها به عنوان هدف وجود ندارد. لذا حد و میزان خوشایندی و دردناکی (ناخوشایندی) که به جانداران دست می دهد تابع سطح انطباق<sup>۲</sup> قبلی اوست. مثلاً صدای بلند در شرایط عادی آدم را ناراحت می کند، در حالی که در محیط پرسروصدایی چون فرودگاه، سروصدا کوچکترین ناراحتی را فراهم نمی کند. وی برانگیختگی عاطفی را فطری می داند ولی انتظارات شخص را پدیده هایی آموخته شده در مورد هدفها می داند که براساس مطبوعی و یا نامطبوعی، فرد را به واکنش هیجانی وا داشته و یا باز می دارد. به همین

است که نخستین بار وودورث ( Wood worth ) در سال ۱۹۱۸ مطرح شد. سائق (کشانده) عبارت بود از نیروی درونی که جاندار را به عمل خاصی وا می داشت، درحالیکه عادت جهت رفتار جاندار را تعیین می کرد. اگرچه واضح است که نظریه سائق شباهت زیادی با نظریه غریزه دارد ولی بنا بر عللی نظریه سائق بیشتر مورد قبول روانشناسان قرار گرفته است. یکی از علل ترجیح مفهوم سائق بر غریزه این است که هر سائقی پس از آزمایشات دقیق علمی مشخص شد، و تعریف عملیاتی دقیقی دارد که بر آن اساس می توان مشخص کرد که یک سائق تحت چه شرایطی ظاهر، افزایش و یا کاهش می یابد و این تغییرات سائق قابل اندازه گیری است. مثلاً محرومیت از غذا، تراکم هورمونهای جنسی در خون موجبات افزایش شدت سائق گرسنگی و جنسی می شوند و عکس آن باعث کاهش انگیزش می شود.

نظریه سائق در مفهوم تعادل حیاتی<sup>۵</sup> «والسترب کانون» (Walter B. Cannon) و «مبحث یادگیری و آموختن» «کلارک هال» (Clark L. Hall) «بیش از سایر مباحث اثر گذاشت زیرا پادشاهای نخستین چون غذا، تعادل حیاتی ناشی از سائق گرسنگی را کاهش می دهد و همچنین پادشاهای ثانوی چون تأیید اجتماعی موجبات یادگیری و آموختن را در انسان و یا حیوان فراهم می آورد.

در سالهای اخیر از آنجا که تأییدهای اجتماعی و هدفها بیش از عوامل درونی در انگیزش مؤثر واقع شده اند (استفاده از پول، کارت تشویق، فرد زیبا) لذا عوامل بیرون انگیزشی در مقایسه با عوامل تعادلی درونی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند.

## ● نتیجه گیری کلی

بنابراین چنین نتیجه می گیریم که موجودات هرچه در نردبان تکامل در سطح بالاتری قرار داشته باشند و هرچه از کیفیت رشدی زیستی - اجتماعی بهتری برخوردار باشند به همان نسبت از پیچیدگی انگیزش رفتاری بیشتری برخوردار می شوند. مثلاً اگر ما یک کودک سه ساله را مورد این سؤال قرار دهیم که «پدر یا مادر را دوست دارید؟» احتمالاً جز پاسخ راست نمی شنویم در صورتی که اگر این سؤال را از کودکی ۶ یا ۷ ساله بپرسیم، پاسخ بنا به مقتضیات و شرایط گاهی به نفع مادر یا پدر و گاهی هر دو یا هیچکدام است. و اگر همین سؤال را از یک بزرگسال بپرسیم، بجای شنیدن یک پاسخ، احتمالاً یک پرسش انگیزشی دریافت می کنیم و این چیزی نیست مگر پیچیدگی انگیزشی رفتار موجودات انسانی ●

شناخت انسان به عنوان حیوانی پیچیده و تعمیم نتایج آزمایشات متخذه از حیوانات به انسانها یک اشتباه اصولی است، زیرا انسان با برخورداری از موهبت عقل به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد تواناییهای تصورات ذهنی فوق العاده دارد که احتمالاً سایر حیوانات از چنین مزیتی در این حد برخوردار نیستند. به همین دلیل انسان قادر است بدون اینکه هیچگونه تغییرات رفتاری مشهودی داشته باشد، نقشه های ذهنی برای خویش ترسیم نماید که اثرات رفتاری آن در کوتاه مدت قابل مشاهده نیست. (مثل بازی در شطرنج) در صورتی که تصور چنین توانایی در سایر حیوانات از احتمالات است.

## ● پی نوشتها:

1-Hedonism Theory

2-Adaptation Level

3-Instinct Theory

4-Reflex

5-Homeostasis

## منابع:

- ۱- ج. موری، ادوارد. «انگیزش و هیجان»، ترجمه دکتر محمدنقی برهنی، (چاپ سوم، ۱۳۶۳)، انتشارات چهار
- ۲- کلاین برگ، اتو. «روانشناسی اجتماعی» جلد ۱، ترجمه دکتر علی محمد کاردان، (چاپ ششم، ۱۳۴۶)، انتشارات فرانکلین
- ۳- شعاری نژاد، علی اکبر، «روانشناسی یادگیری»، (چاپ اول، ۱۳۶۲)، انتشارات توس
- ۴- تیوان واسمیت. «انگیزش»، ترجمه ملک عبدالللهی، (چاپ دوم، ۱۳۶۶)، انتشارات آستان قدس رضوی
- ۵- اچ. مزلو، ابراهام. «انگیزش و شخصیت»، ترجمه احمد رضوانی، (چاپ اول، ۱۳۶۷)، انتشارات آستان قدس رضوی